

یکی از ویژگی‌های کارگاه شیشه‌گری برای من سخت‌گیری بوده است .

سخت‌گیری و تعصبِ خامی است
تا جنینی، کار، خون‌آشامی است
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۹۷

این بیت می‌گوید اگر همانندگی‌ها را در مرکزت بگذاری، سخت شوی، براساس باورهای همانیده و وسواس‌های من‌ذهنی زندگی را به خودت و دیگران سخت کنی، تو خام هستی. حاصل سخت‌گیری این است که همان‌طور که جنین در شکم مادرش است، انسان سخت‌گیر هم همیشه در درد خواهد بود .

از خانم فرزانه یاد گرفتم سخت‌گیری از پندار کمال می‌آید. من با پندار کمال و ارزش‌های توهمی‌اش این‌قدر کارها را سخت می‌کردم که راهی برایم نمی‌ماند جز این که از انجام دادنش فرار کنم. یکی از بیش‌ترین بیت‌هایی که به من کمک کرد بیت حضرت حافظ بود که می‌گوید:

گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع
سخت می‌گردد جهان بر مردمان سخت‌کوش
-حافظ، دیوان غزلیات، غزل شماره ۲۸۶

این بیت می‌گوید هر وضعیتی که پیش می‌آید، هر کاری که می‌کنی، هر اتفاقی که می‌افتد، در اطرافش فضا باز کن و با خرد فضای گشوده‌شده از کنار آن وضعیت عبور کن یا آن کاری که به تو محول شده را به‌آسانی انجام بده. این بیت می‌گوید اگر این لحظه فضا را باز کنی تک‌تک اجزای جهان با تو هم‌کاری می‌کنند.

سخت‌گیری نشانه بارز عدم کوثر و رواداشت زندگی است، نشانه عدم توکل به نیرویی است که کل جهان را با نظم اداره می‌کند. وقتی من با عقل جزوی من‌ذهنی‌ام می‌خواهم کارها را انجام دهم یا مسائل ایجادشده را حل کنم، می‌ترسم و حس ناتوانی می‌کنم. طبیعی هم هست چون عقل محدود من‌ذهنی قادر به انجام کاری نیست. من تنها باید فضا را باز کنم و بینم چطور آن فضا کارهایی که از دید ذهن سخت یا غیرممکن می‌آید را به‌سرعت و با روانی انجام می‌دهد .

تو سبب‌سازی و دانایی آن سلطان بین
آنچه ممکن نبود در کف او امکان بین
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۰۰۲

این بیت به من می‌گوید، تو باید اجازه بدهی که خداوند سبب‌سازی کند و دانایی خودش را با «قضا و کُنْ فُکَانَ» به‌کار ببرد و آن چیزی که با ذهنت تجسم می‌کنی ممکن نیست، بدان که در دست او، ممکن است، بسیار به او. وقتی کارها را به او سپردی و گذاشتی خرد او به فکر و عملت بریزد روان می‌شوی، مثل چرخ تو هم در گردش و در کار درمی‌آیی و آن موقع از بی‌نهایتی این فضا حیران می‌مانی.

بسیار برای من پیش آمده که تا کاری را به من محول کرده‌اند، سریع با ذهن، زمان انجام کار یا سختی آن را اندازه گرفته‌ام و سریع به این نتیجه رسیده‌ام که خب من توانایی انجام این کار را ندارم. این سخت‌گیری باعث شده جهان هم به من سخت بگیرد. این که سبب‌سازی ایزدی را به‌کار نگرفته‌ام واقعا باعث شده کار غیرممکن شود و انجام نشود.

در مقابل دیده‌ام وقتی فضا را باز می‌کنم با چه روانی‌ای کارها تندتند، پشت‌سرهم با خرد فضای گشوده‌شده انجام می‌شود. من به مرور یاد گرفته‌ام که کافی است من از چگونگی خارج شوم، با ذهنم امکان انجام کارها یا چگونگی انجام آن‌ها را اندازه نگیرم، فقط اولین قدم را درست بردارم. فقط فضا را باز کنم و بگذارم خرد او به فکر و عملم بریزد. در این حالت‌ها دیده‌ام چقدر کار انجام شده، درحالی که من با دید ذهن فکر می‌کردم انجام‌شدنی نیست یا من انرژی برای انجامش ندارم. واقعا بیت زیر محشر است که حضرت مولانا می‌فرماید:

قدر هر روزی ز عمرِ مردِ کار
باشد از سالِ جهان پنجه هزار
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۱۸۲

این بیت می‌گوید کافی است تو به‌عنوان من بالا نیایی و مقاومت و ستیزه‌نکنی، درعوض بگذاری کارها با خرد فضای گشوده‌شده انجام شود. در این حالت می‌بینی حجم عظیمی از کار در کم‌ترین زمان، با کم‌ترین انرژی و به بهترین صورت انجام می‌شود. کار من این است که این لحظه این دعا را بکنم: «ای خدایی که دشوار را آسان می‌کنی، در سرای دنیا و آخرت به من نیکی ارزانی بدار.»

گفت پیغمبر: مَر آن بیمار را
این بگو کای سهل‌کن دشوار را
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۲۵۵۱

آتِنَا فِی دَارِ دُنْيَانَا حَسَنَ

آتنا فی دار عقیبانا حَسَن
-مولوی، مشنوی، دفتر دوم، بیت ۲۵۵۲

راه را بر ما چو بستان کن لطیف
منزل ما، خود تو باشی ای شریف
-مولوی، مشنوی، دفتر دوم، بیت ۲۵۵۳

این سه بیت خیلی به من کمک می‌کند از حالت من‌ذهنی که همه‌چیز را سخت می‌کند خارج شوم. خدایا این جهان نیازی به گل‌کاری من ندارد، من هم به‌عنوان امتداد تو نیازی به این جهان ندارم. اگر کار این جهانی هم قرار است انجام شود، باید با روانی و کوشش زندگی باشد، به‌قول داداشم هر لحظه باید بگوییم، «دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار».

تنها رسالت من این است که این لحظه قلم دست تو باشم که خرد و برکت تو از من به جهان پخش شود و من با سخت‌گیری براساسِ باورهای همان‌سده فقط برای حفظ یک پارک توهمی ذهنی نمی‌خواهم جلوی این امر را بگیرم.

باتشکر
یلدا از تهران